



**مريم طباطبائي**

**مترجم‌ومتفكّد**

بی شک رد پای جنگ و بستر مخوف و تاریکی را که می‌سازد، به وفور می‌توان در ادبیات عرب و اساس‌در میان آثار نویسنده‌هایی‌از خاورمیانه‌دید. رد پای سیاهی که بسیاری از زندگی‌ها و بسیاری از چالش‌های روزمره انسان‌های این جغرافیا را به خود اختصاص داده‌است، اینبار رد پای جنگ را در کتاب «دانوب خاکستری» نوشته غاده السمان دیدم.

دانوب خاکستری، مجموعه‌ای ست مشتمل بر شش داستان کوتاه، داستان‌هایی که محور اصلی آنها جنگ است و آثار آن بر زندگی مردان و زنان نمود بیرونی پیدا می‌کند. درست مثل روایت‌های این شش داستان کوتاه که پنج زن و یک مرد، آنها را برای خواننده روایت می‌کنند. غاده السمانکه ادبیات را با پوست و گوشت می‌شناسد و به زعم من در نویسندگی طنزای ویژه‌ای دارد، با زبانی لطیف و حساس، زخم‌های جنگ را بر تن مردان وزنانی که در این مهلکه قرار گرفته‌اند، بیان می‌کند. داستان‌های این کتاب محورهای مختلفی را در بر می‌گیرد، تأثیر انسانیت بر زندگی مردم، تلخی و ناامیدی از رویارویی با حقیقت، زندگی روزمره انسان‌ها و چالش‌هایی که گاهی ملموسند و گاهی حل نشدنی و امید که هر چند کمرنگ است و بی جان، اما به عنوان نقطه‌ای روشن در این روایت‌ها به چشم می‌خورد. هر داستان منحصرا تأثیر جنگ را بر شخصیت‌های اصلی آن روایت و آگاهی می‌کند. نویسنده با نگاهی رزیونیانه و نکته‌سنج، آدم‌ها را در مواجهه با دشواری‌های پیش‌رو می‌سنجد و از آنها قهرمانانی می‌سازد که حتی اگر موفق هم نباشند اما از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نخواهند کرد.

دانوب خاکستری اولین داستان از این مجموعه است که نام کتاب هم از همین روایت گرفته شده است. در این داستان، نویسنده با همان لحن شعرگونه و لطیف، به دقت به مسئله وطن و تعلق خاطر به آن می‌پردازد. به مهاجرت و به خاطرات تاریک و روشنی که هرگز فراموش نخواهد شد. از دست دادن‌ها در این روایت پررنگ‌تر از بقیه‌المان‌ها ظاهر می‌شوند و خاطره‌یازی‌ها، قهرمان داستان را مجبور می‌کند تا گذشته‌اش را به خوبی از نظر بگذراند. در داستان حریق آن تابستان، به تجربیات شخصی‌زنی می‌رسیم که روایتش را در یک تابستان گرم برای خواننده تعریف می‌کند. تنهایی به او این امکان را می‌دهد تا هویت خود را جست‌وجو کند. در این داستان نیز با واگو‌های شاعرانه و لطیف زنی تنها مواجه می‌شویم، زنی که گویی در میانه راهی‌نه چندان هموار، خود و هویتش را گم کرده است. در داستان ساعت دوزمانه و کلاغ، بازنی همراه می‌شویم که سعی دارد زمان و مکان را تغییر داده تا بتواند در آن میان خود را پیدا کند. حتی اهل یمن که تنهایی و تاریکی تنها تعبیر او از زندگی فعلی‌اش است و دوری، تنها سرنوشته محتومش. در روایت‌لکه‌ای بر صحنه هم، به وضوح تأثیرات جنگ و آثار مخرویش را بر زندگی زنان و مردانی می‌بینیم که همگی با هر توانی که داشته‌باشند به دنبال فرار از سرنوشتشان هستند. در داستان لیلا و گرگ، شاید بشود اذعان داشت که وارد دنیای خیال هم می‌شویم. رابطه‌ای دوگانه و پیچیده میان لیلا و گرگ، توانمندی نویسنده را در خلق آثاری تامل برانگیز به خواننده نشان می‌دهد. رابطه‌ای پیچیده که با معضلی به نام جنگ نیز

همسو می‌شود. و آخرین داستان این مجموعه به نام، ای دمشق، که به فرهنگ و تاریخ دمشق اشاره دارد و احساسات و تعلق خاطر انسان‌ها را به شهرشان به تصویر می‌کشد. از نگاه نویسنده، شهر چون مادر رست فراموش نشدنی و چون بستری در آغوش گیرنده و انسان‌ها حتی اگر آن راترک هم بکنند اما بندهای نامرئی آن را تا پای گور با خود خواهند برد. غاده السمان، به زعم من با روشی منحصر به فرد، زخم‌های جنگ را به خواننده نشان می‌دهد. همان‌طور که در اثر برجسته‌اش تحت عنوان، در بیروت دریایی نیست، با روایتی خاص توانسته با استفاده از تجربیات زیسته خود انسان‌ها را در میان کوچه خیابان‌های بیروت جنگ زده و ویران به خواننده بشناساند. آدم‌هایی که با توجه به از هم گسیختگی روان خود و شالوده زندگی‌شان، با کورسویی از امید سعی بر ساختن تمام ویرانه‌های شهر و زندگی‌شان دارند. آدم‌های این داستان در پارادوکسی عیان میان انزواطلبی و شوق به ساختن دوباره آن در کنار هم، روزگار به سر می‌کنند. نویسنده ترکیبی خوش ساخت از نالیسم جادویی، بحران‌های اجتماعی، و کاوش‌های روانشناسانه را در کنار هم قرار داده است تا بتواند تعریف مناسبی از زندگی انسانی را به خواننده ارائه بدهد.

نمادها و تصویرسازی‌های شاعرانه در داستان‌های مجموعه دانوب خاکستری، به شکلی گسترده به کار آمده است که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. نمادها و تصاویری که السمان به ظرافت در خلال این روایت‌ها از آنها استفاده می‌کند، به خواننده این امکان را می‌دهد تا مفهوم دقیق احساسات و ژرفای آن را درک بکند. استفاد از نماد، دانوب، توانسته به زیبایی، جریان زندگی، تغییرات، عصیان‌ها و آشفتهگی‌های روح انسانی را به خواننده نشان بدهد. و زینون، نمایانگر صلح و اصالت و ارتباط با زمین، آتیم در خاکی ست که تب‌دار است و در مبارزه‌ای نفس‌گیر دوام می‌آورد. مبارزه‌ای میان جنگ و سوازش.

<b>یکشنبه</b>	سال هفتم
۱۳۰۶ ۰۳ ۱۴	شماره ۲۰۱۴
۴ رجب ۱۴۴۶ ه‍. ق / ۵ ژانویه ۲۰۲۵	

انتشار کتاب در سراسر جهان سروشکل نسبتا مشابهی دارد؛ مولف (مترجم) با ناشر قرارداد می‌بندد تا نتیجه کار خود را در زمان مشخص، به او تحویل دهد. ناشر نیز موظف است بعد از انتشار کتاب در تیراژ مورد توافق، درصد مشخصی از میزان فروش را به عنوان حق التالیف (حق الترجمه) به پدیدآورنده بپردازند. در این بین؛ البته حلقه‌های توزیع و فروش نیز قرار دارند که ناشر به عنوان سرمایه‌گذار کتاب، قرارداد‌های کاری خود با آن‌ها را همچون قرارداد‌هایی که با چاپخانه دار و صحاف می‌بندد، مدیریت می‌کند. این مراحل، معمولاً ثابت‌اند اما ناشر می‌تواند برای تولید و فروش کتاب‌های مختلف، استراتژی‌های متفاوتی را در پیش بگیرد. روال کار در نشر سنتی، اینگونه بود که ناشر با اتکا به تجربه و شناختی که از بازار کتاب و مخاطبان داشت، عناوین مد نظر خود برای سرمایه‌گذاری را انتخاب می‌کرد و از آنجا که حداقل تیراژ چاپ کتاب با تکنیک افست ۵۰۰۰ نسخه بود، کتاب با چنان تیراژهایی تولید می‌شد. هرچند پایین بودن نرخ مطالعه و توان خرید کتاب، این عدد را تا ۱۰۰۰۰ نسخه نیز پایین می‌آورد و در ادامه، تشدید موانع و فشارهای اقتصادی باعث شد ناشران به تیراژهای چندصد و یا حتی چندده نسخه‌ای فکر کنند. انتشار در تیراژهای پایین، امکانی بود که توسعه‌ی ماشین‌های چاپ دیجیتال فراهم کرد؛ روشی که اصطلاحا به آن «چاپ رومیزی» اتلا می‌شود. امکان چاپ و صحافی کتاب در تیراژهای پایین و حتی تک نسخه‌ای، اتفاق قابل توجهی در چرخه یا صنعت نشر به شمار می‌آمد، خصوصاً که فرصت اصلاح استراتژی‌های سنتی و مرسوم در این حوزه را نیز فراهم می‌آورد. این چنین بود که فرایند «چاپ بر اساس چاپ on demand، یا POD» مطرح شد تا ناشران بتوانند تنها در صورت ثبت سفارش، نسبت به چاپ و فروش کتاب به مشتری اقدام کنند. صرف نظر از عواملی که حرکت به سمت تولید کتاب با تیراژ پایین را در کشور ما ایجاد و به چرخه نشر تحمیل می‌کرد، توسعه استراتژی «چاپ بر اساس تقاضا» مزایا و معایبی دارد که نمی‌توان به آنها بی‌توجه بود.

📌 **مزایا:**

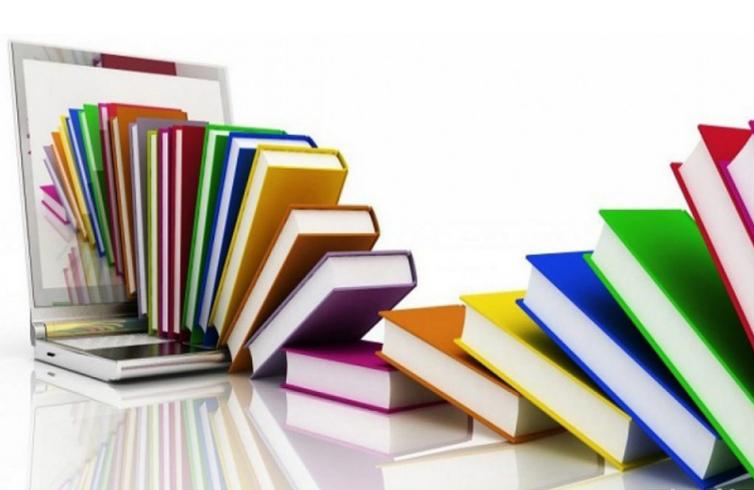
ریسک سرمایه‌گذاری و خواب سرمایه در این روش، تقریبا به صفر نزدیک می‌شود. دیگر لازم نیست ناشر هزینه چاپ چند هزار یا چند صد نسخه را بپردازد و نگران باگشت سرمایه خود باشد. زیرا چنانچه اشاره شد، عوامل مختلف و بعضا غیر قابل پیش بینی می‌توانند بر روند فروش کتاب‌ها تأثیر بگذارند و چه بسا با خسارت‌های جبران‌ناپذیری بیانجامند. در این روش، عملا فرآیندی به اسم «انبارداری» و هزینه‌های مرتبط با آن باقی نخواهد ماند. دیگر لازم نیست ناشر، موزع و حتی کتاب‌فروش قفسه‌های خود را از کتاب‌هایی پر کند که معلوم نیست چه زمانی فروخته خواهند شد. علاوه بر این، هزینه حمل، جابه‌جایی و لطمات فیزیکی به کتاب‌ها را نیز باید فراموش کرد. استراتژی «چاپ بر اساس تقاضا» احیاکننده کتاب‌های قدیمی است که دیگر تولید انبوه آن‌ها برای ناشر به صرفه نیست. بخش اعظم کتاب‌هایی که به‌وسيله ناشران منتشر می‌شوند، در چاپ‌های اول و دوم متوقف می‌مانند و از آنجا که دیگر مشتری چندان‌ی ندارند، تجدید چاپ نمی‌شوند. حال آنکه در شرایط جدید، امکان تولید و فروش تک نسخه‌ای این عناوین وجود دارد؛ عناوینی که چه بسا در خطر فراموشی مطلق قرار گرفته باشند!

چاپ کنترل شده کتاب، شش‌هفته به معنای صرفه‌جویی در مواد مصرفی و پرهیز از اسراف است. «چاپ بر اساس

<b>یکشنبه</b>	سال هفتم
۱۳۰۶ ۰۳ ۱۴	شماره ۲۰۱۴
۴ رجب ۱۴۴۶ ه‍. ق / ۵ ژانویه ۲۰۲۵	

معایب و مزایای POD در نشر

## «چاپ بر اساس تقاضا» بازار کتاب را متحول می‌کند؟



**آرمان ملی – هادی حسینی نژاد: در روزگاری که گرانی و کاهش قدرت خرید کتاب در جامعه، سقوط شمارگان و نرخ سرانه مطالعه همچنان مایه نگرانی و دغدغه‌است، اتخاذ استراتژی «چاپ بر اساس تقاضا» از سوی بخشی از بدنه‌ی نشر و موسسات تازه تاسیس یافته، را باید به فال نیک گرفت. هرچند که در مسیر توسعه، هر تحولی می‌تواند چالش‌های خاص خودش را به همراه داشته باشد.**

تقاضا» باعث می‌شود دقیقا به تعداد مشتریان، کتاب چاپ و به همان اندازه کاغذ و مقوای مصرف شود. از طرفی کاهش استفاده از مواد پلاستیکی، مرکب، چسب و… تامین زینست محیطی بیشتری را در پی خواهد داشت.

امکان اعمال تغییرات و اصلاح اشتباه‌های احتمالی در محتوا، در شیوه‌ی «چاپ بر اساس تقاضا» مهیاست. حتی این امکان وجود دارد که صفحه‌ای را برای درج پیام‌های تیریک و اهدانامه‌ها به صورت شخصی سازی شده در نظر گرفت که به‌نوع خود می‌تواند ترغیب‌کننده و جذاب باشد.

با بهرمندی از این شویه، مولفان و مترجمان می‌توانند خیلی زود حاصل کار خود را در معرض خرید مشتریان ببینند؛ چراکه در این روش، مراحل آماده‌سازی محتوا پیش از چاپ، زمان مقتضی برای تهیه و خرید کاغذ مناسب، گرفتن نوبت چاپ از چاپخانه‌ها، صحافی و… به مراتب کوتاه‌تر از شیوه چاپ افست با شمارگان بالا است.

این استراتژی، برای نشر الکترونیک نقش پشتیبان و مکمل را بازی می‌کند؛ آنچنانکه ناشر می‌تواند عناوین مورد نظر خود را ابتدا در قالب نسخه‌های الکترونیک به انتشار برساند و در صورت تقاضای خرید نسخه کاغذی، نسبت به چاپ آنها اقدام کند.

با توسعه این استراتژی و فعال شدن بنگاه‌های POD در سراسر کشور، دسترسی مشتریان به کتاب تسریع و تسهیل می‌شود؛ به‌طوری‌که کتاب می‌تواند در همان شهر و محله‌ای چاپ و تحویل شود که مشتری آنجا زندگی می‌کند. این ویژگی حتی برای مخاطبانی که در اقصی نقاط جهان زندگی می‌کنند، قابل توجه خواهد بود؛ خصوصاً که دیگر نیازی به پرداخت هزینه‌های ارسال از طریق پست یا سایر روش‌ها نیست.

📌 **معایب:**

چاپ تک نسخه‌ای کتاب به‌ازای هر سفارش، نسبت به

چاپ کتاب در شمارگان بالا، هزینه بیشتری دارد و مشتریان برای خرید باید مبالغ بالاتری از مبالغ معمول بپردازند. این مساله در شرایطی که گرانی کتاب و کاهش قدرت خرید مخاطبان یکی از موانع اصلی توسعه بازار نشر به‌شمار می‌آید، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

اگرچه ارتقای تکنولوژی‌ها و ماشین‌های چاپ دیجیتال، تا حد قابل قبولی دغدغه‌ی کیفیت چاپ در تیراژهای پایین را رفع کرده است، اما همچنان چاپ دیجیتال سطح نازل‌تری از کیفیت را نسبت به چاپ افست ارائه می‌دهد. این نسبت، در صحافی و خدمات پس از چاپ نیز محسوس است؛ چراکه در چاپ دیجیتال، امکان فرم‌بندی برگ‌ها وجود ندارد و تنوع خدمات چاپ جلد نیز کمتر است.

امکان حفظ «کیفیت تکرارپذیر» در چاپ تک‌نسخه‌ای بسیار کم است و این مساله می‌تواند به ناسازگاری در تولید و تفاوت‌های فاحش بین نسخه‌های چاپ شده از یک کتاب منجر شود. تفاوت احتمالی نوع کاغذ و جوهر و سایر مواد مصرفی در هر بار چاپ، میزان سلامت دستگاه در هنگام چاپ، سطح توانمندی اپراتورها و همچنین عوامل محیطی دیگر نیز می‌تواند در بروز این وضعیت، نقش بسزایی داشته باشد. حال آنکه در چاپ افست با شمارگان بالا، تمام نسخه‌ها عموما در کیفیتی یکسان و بالاتر تولید می‌شوند.

خدمات POD مشمول فرآیندی طولانی برای آماده‌سازی، چاپ و مونتاژ است که می‌تواند ۳ تا ۱۰ روز کاری به‌اضافه زمان حمل و نقل را برای تامین نیاز مشتریان به طول بیانجامد. هیچ مشتری‌ای نمی‌خواهد تا این حد صبر کند. این در حالی است که در شیوه تولید عمده، مشتری می‌تواند با مراجعه به کتاب‌فروشی، بلافاصله کتاب مورد نظر خود را در اختیار داشته باشد و در سفارش‌های اینترنتی، حداکثر ۳ روزه به کتاب خود دسترسی پیدا کند.

وقتی کتابی به سفارش مشتری تولید می‌شود، مدیریت باگشت و رسیدگی به شکایت کیفی، معمولاً به سختی قابل

<b>ادبیات</b>	۷
---------------	---

پیگیری و تحقق است؛ چراکه پذیرش نقایص احتمالی، به معنای چاپ دوباره کتاب، دوبرابر شدن هزینه‌ها و زمان آماده‌سازی و دسترسی به کتاب خواهد بود. درحالی‌که در حالت تولید انبوه، مشتری به راحتی کتاب خود را به فروشنده بازمی‌گرداند و نسخه دیگری را دریافت می‌کند. کتاب‌هایی که تنها بر اساس تقاضای مشتریان چاپ می‌شوند، فرصت دیده‌شدن در کتابفروشی‌ها و نمایشگاه‌ها را ندارند. در این شیوه اگرچه امکان تبلیغات در فضای مجازی وجود دارد اما معمولاً این مشتریان بالفعل هستند که کتاب را خریداری می‌کنند و امکان جذب مشتریان بالقوه که عادت دارند با ورق زدن و بررسی‌کردن کیفیت فیزیکی و محتوا، خرید کنند، وجود نخواهد داشت.

📌 **با آینده محتمل کنار بیاییم!**

با وجود معایبی که برای «چاپ بر اساس تقاضا» برشمریم، مزیت‌ها موید توسعه آن در بازار نشر کشور است. مضای بر آنکه کاهش شمارگان در فضای موجود، خود عاملی تشدیدکننده خواهد بود. بر این اساس؛ خوب است به تغییراتی که خواه‌نا‌خواه در انتظار چرخه نشر کتاب است، توجه کنیم. نخست اینکه با توسعه این استراتژی، شاخص برشماری و حتی ارزشگذاری فروش از «نوبت‌چاپ» به «تعداد نسخه» تغییر خواهد کرد. دیگر کتاب‌ها به چاپ دوم و سوم و… نمی‌رسند؛ مگر آنکه تعداد سفارش‌های تک‌نسخه‌ای به قدری افزایش یابد که ناشر به چاپ انبوه آن کتاب، راغب شود. مساله دوم اینکه احتمال قریب‌الوقوع شکایات و معارضه‌های حقوقی بین ارکان و حلقه‌های چرخه‌نشر با یکدیگر؛ خصوصاً بین مولف و ناشر وجود دارد؛ چراکه ثبت تقاضا، تولید و فروش نسخه‌ای می‌تواند از چشم او آگاهی مولف در برمآند، یا حتی از او کتمان شود. خصوصا در شرایطی که ضوابط و ملزومات «چاپ بر اساس تقاضا» در قرارداد‌های فی‌مابین ذکر نشده و ابزارهای نظارت بر حسن انجام کار مشخص نیست. بنابراین بهتر است شکل‌ها و اتحادیه‌های مربوطه، بررسی و تعیین راهکارهای مناسب را در دستور کار قرار دهند تا از تحولات پیش‌رو عقب‌نمانند.

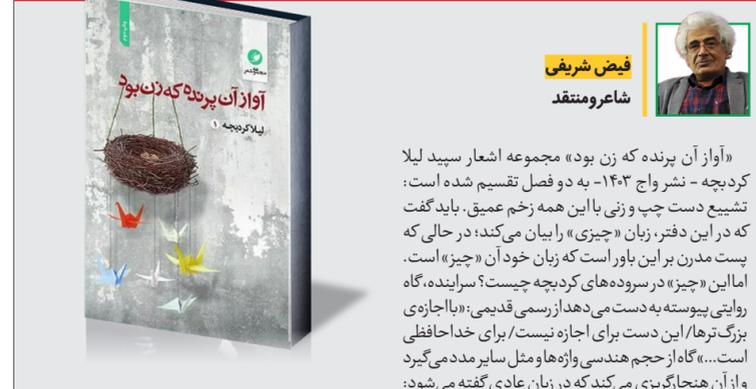
موضوع بعدی الزام و اصرار متولیان دولتی؛ یعنی وزارت ارشاد و میزبان اداره کتاب به کنترل و نظارت بر فرایند انتشار کتاب است. در شرایط موجود، کتاب‌هایی که مجوز انتشار می‌گیرند باید پس از چاپ و پیش از توزیع، بار دیگر از اداره‌ی مذکور مجوز اعلام وصول دریافت کنند و تازه پس از اخذ این نسخه مورد تأیید ارشاد است. اجازه توزیع و فروش صادر در شرایطی که ضوابط و ملزومات «چاپ بر اساس تقاضا» در قرارداد‌های فی‌مابین ذکر نشده و ابزارهای نظارت بر حسن انجام کار مشخص نیست. بنابراین بهتر است شکل‌ها و اتحادیه‌های مربوطه، بررسی و تعیین راهکارهای مناسب را در دستور کار قرار دهند تا از تحولات پیش‌رو عقب‌نمانند. موضوع بعدی الزام و اصرار متولیان دولتی؛ یعنی وزارت ارشاد و میزبان اداره کتاب به کنترل و نظارت بر فرایند انتشار کتاب است. در شرایط موجود، کتاب‌هایی که مجوز انتشار می‌گیرند باید پس از چاپ و پیش از توزیع، بار دیگر از اداره‌ی مذکور مجوز اعلام وصول دریافت کنند و تازه پس از اخذ این نسخه مورد تأیید ارشاد است. اجازه توزیع و فروش صادر در شرایطی که ضوابط و ملزومات «چاپ بر اساس تقاضا» اما امکان چنین نظارتی وجود ندارد و احتمال می‌رود نهاد متولی، در ادامه مسیر موانعی را برسر راه توسعه این روش، بگستراند. نکته حائز توجه دیگر این است که بسیاری از کتاب‌ها، اگرچه برای یک یا چند نوبت با مجوز اداره میزبانی منتشر شده‌اند؛ اما با تجدید چاپ آنها موافقت نشده است! بنابراین چاپ تک‌نسخه‌ای این عناوین با اتکا به اینکه مجوز انتشار داشته‌اند، می‌تواند واکنش‌هایی را به همراه داشته باشد. با این همه؛ اگرچه هنوز نمی‌توان تصویر روشنی از گسترش استراتژی «چاپ بر اساس تقاضا» در بازار کتاب داشت و مشخص نیست آیا این استراتژی، به توسعه کتاب و کتاب‌خوانی در کشور می‌انجامد یا نه، اما انتظار می‌رود متولیان امر با درک صحیح شرایط موجود، گستره فضای رسانه‌ای و امکان دسترسی به منابع مطالعاتی مختلف و متنوع، با تحول و توسعه شیوه‌های نوین نشر کتاب همسو شوند و از آن حمایت کنند.

### جایگاه نیکي به والدين در فرهنگ چین



نشر طلایه کتاب «طریق اطاعت فرزندی»، اثر کنفوسیوس، به ترجمه احسان دوست‌محمدی، را به‌تازگی روانه کتابفروشی‌ها کرده است. این کتاب به فلسفه پیش از میلاد چین تعلق دارد و به تبیین یکی از اصول بنیادین فرهنگ چینی و مکتب کنفوسیوس می‌پردازد. مترجم آثار دیگری از همین دوران تاریخی را نیز به فارسی ترجمه کرده که از این قرارند: «منسیوس»، «مکالمات»، «دائو ده چینگ»، «آموزه‌هایی از حکمت چین باستان» و «حکمت چینی». اگر بخواهیم از میان انبوه کتاب چین باستان کتابی را انتخاب کنیم که با وجود حجم بسیار کم و سادگی مطالب بیشترین تأثیر را در فرهنگ چین داشته‌اند، بی‌شک کتاب «طریق اطاعت فرزندی» مهم‌ترین آنهاست. در این کتاب به اصلی‌می‌پردازد که تأثیری بسیار عمیق در فرهنگ چین و به‌خصوص مکتب کنفوسیوس گذاشته. نیکي به والدين در فرهنگ چین آنقدر مهم است که در یکی از معروف‌ترین آثار کلاسیک چینی با عنوان «طریق اعتدال و میانه‌روی» آمده: «با دلسایک که نتواند با رعایت حق فرزندی و احترام به والدين لذت ببرد، دست‌بیابود چطور می‌تواند اعتماد مردم را به دست آورد؟» اندیشمندان چین باستان معتقد بودند سرفراز تمامی کارهای بزرگ نیکي به والدين است و آنکه این وظیفه‌را به نحو احسن انجام ندهد در کارهای دیگر نیز موفق نخواهد شد. منگ زه در همین رابطه می‌گوید: «تنها شوان بود که هرستندی از داشتن قدرت را همچون شاخه خشک‌شده درخت بی‌ارزش می‌دانست. آنکه سبب خرسندی والدينش نشود نمی‌توان انسان نامید. کسی که به والدينش احترام نگذارد و مطیع آنها نباشد نمی‌توان فرزند نامید. شوان با نیکي و خدمت به والدينش باعث خوشحالی پدرش شد، و دنیا تحت تأثیر خوشحالی او تغییر کرد.» منگ زه نیکي به والدين را سنگ بنای انسانیت و پیش‌نیاز کامیابی در حکمرانی و رسیدگی به امور کشور می‌دانست. او بعد از مرگ مادرش برای ادای حق فرزندی سه سال از کارها و

### آواز آن پرندۀ که زن بود



«آواز آن پرندۀ که زن بود» مجموعه اشعار سپید لیلا کربچه – نشر واج ۱۴۰۳– به دو فصل تقسیم شده است: تشبیع دست چپ و زنی با این همه زخم عمیق. باید گفت که در این دفتر، زبان «چیژی» را بیان می‌کند؛ در حالی که پست مدرن بر این باور است که زبان خود آن «چیژ» است. اما این «چیژ» در سروده‌های کربچه چیست؟ سرآینده‌گاه روایتی بی‌بوسه به دست می‌دهد از رسمی قدیمی: «با اجازه‌ی بزرگ‌ترها/ این دست برای اجازه نیست/ برای خدا حافظی است…» گاه از حجم هندسی واژه‌ها و مثل سایر مد‌می‌گیرد و از آن هنجارگریزی می‌کند که در زبان عادی گفته می‌شود: «در سکوتی که مثل جاذم به جان خانه افتاده…» (ص ۳۰)، «صراحت مثل طاعون به زبانه افتاده» (ص ۲۸) … و گاه شاعر از تعبیر قدیمی آشنایی‌زدایی می‌کند و کنایه‌های جدیدی در روایت‌ها می‌نشانند: «چگونه می‌شود نام کسی را که این قدر دوام آورده، زن نگذاشت؟» (ص ۹)، «بین چگونه بوی مرگ از انگشت‌هایم چکه می‌کند» (ص ۱۳). و نیز در این شعرها و روایات همه‌گونه واژه و تعبیر ادبی و عامیانه بهم آمیخته شده‌اند: «چمدان، آسمان، مومیایی، بهار نارنج، قهوه، کاج، درخت، کوچه، جای، استکان، موریانه، کاپوس، سیب، جنگل، طاعون، جذام، حلقه، وسعت سیاه، مورچه، قمدان، پیراهن، آینه، بال، پرندۀ، بغض، عروس، پلاستیک، منجان، اسباب‌بازی و …». شاعر در این دفتر لحن ترازیک و محزون‌نی دارد. روی یک‌زن ترس‌خورده و مظلوم است که گویا در حصار افتاده و میان زمین و آسمان معلق گیر کرده است و بوی مرگ از انگشت‌های او فرو می‌چکد. این زن مظلوم اما در دفتر دوم، شاخک‌هایش تیز می‌شود، از چمدان/ بیرون می‌آید و خانه را بدرود می‌گوید: «برای برگشتنت/ صدای بلندتری لازم بود/ صدایی که یک شب/ برای زنی با موهای بلند کل کشید/ و بعد از آن/ دیگر کسی آن را ندید.» (ص ۹۲). لیلا کربچه این شعرها را در سن سی سالگی در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ سروده است. این سروده‌ها حال و

